



شماره ثبت: ۳۱۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مرور بر گذشته.....
۲	نیاز ادله نقلی در کنار ادله عقلی.....
۲	شبه نقد به نظریه امام (ره).....
۳	فرع پنجم: حکم تولی در حکومت‌های بعد از غیبت.....
۳	نکته.....
۴	فرع ششم: شمول ظالم به غیر از حکومت.....
۴	وجه اول.....
۴	وجه دوم.....
۴	وجه سوم.....
۵	فرع هفتم: بخش خصوصی.....
۵	استثنائات.....



تولی من قبل الجائر

مرور بر گذشته

در جلسه قبل، نکته‌ای در مورد نظریه امام (ره) عرض کردیم. همان‌طور که عرض کردیم، به‌جز ادله‌ی خاصه و روایات، امام (ره) دلایل عقلی دیگری را بیان می‌کنند. این ادله عبارت‌اند از:

با مفروض گرفتن مقدماتی که عرض کردیم، حکومت حق حاکمی است که خداوند وی را تعیین کرده است. اگر این اصل را بپذیریم، ما نیاز به ادله‌ی خاصه نداریم. این فلسفه‌ی سیاسی اقتضا می‌کند که تصرف در دایره‌ی حکومت الهی، تصرف در مال غیر و سلطنت غیر است. این امر قبیحی است. این از مستقلات عقلیه است حتی از مدلولات الزامی خود ادله است.

نیاز ادله نقلی در کنار ادله عقلی

اگر هیچ نقلی در کار نباشد، معلوم نیست استدلال تمام باشد. به صرف مقدمات عقلی ما به این نتیجه نخواهیم رسید. مقدمات عقلی این است که ولایت از آن خدا است. زمام این حکومت و ولایت نیز به دست اوست. خداوند الزامی ندارد که به کس خاصی بدهد و به هرکسی بخواهد می‌دهد. صرف ربوبیت تکوینی به ولایت نمی‌رسیم، آن مقتضی این است که خداوند حق سپردن حکومت را دارد. این اشکال نظریه حضرت امام (ره) نیست، بلکه تکمیلیه آن است. نظریه امام (ره) در ابتدا نیاز به ادله نقلی دارد. بدون هرگونه دلیل نقلی نمی‌توانیم ولایت تشریعی برای پیامبر و امام (علیهم السلام) اثبات بکنیم.

استنتاج ولایت تشریعی نیاز به ادله نقلی دارد. عقل زمینه را مطرح می‌کند و نقل فعلیت را بیان می‌کند. از این مطالب نتیجه می‌گیریم که ولایت تشریعی ائمه نیاز به دلایل نقلی دارد. تصرف در حکومت دیگران، عقلاً جایز نیست. مشروعیت حکومت نیز به دلایل نقلی نیاز دارد. البته در تصرف حکومت دیگران، ادله نقلی زیادی داریم.

شبه نقد به نظریه امام (ره)

امام (ره) فرمودند که تصرف در حاکمیت مشروع غصب است و جایز نیست؛ البته تمام مراتب تولی از قبل غیر، این حکم را ندارد، بلکه درجاتی در آن رگه‌ای از ولایت و حاکمیت است، حکم جاری است. یعنی در رتبه‌های بالای اداری و حکومتی باید باشد.

کار کردن در دستگاه ظالم و جائر، از حیث این دلیل جایز است.



شماره ثبت: ۳۱۸۴

این نکته تام نیست. مفروض این است که کارمند نیز در یک حوزه‌ی عمومی تصرف می‌کند. پیکره حکومت، واحد است، تمام اجزاء به شکلی تصرف در حاکمیت کرده‌اند. اختصاص به مسئولین و بلندرتبه‌ها ندارد بلکه کارمندان نیز مشمول این قاعده هستند.

ادله نقلی دایره‌ی وسیعی داشت و تمام این مراتب را می‌گرفت. اما این دلیل عقلی و مستقل امکان شمول دارد.

فرع پنجم: حکم تولی در حکومت‌های بعد از غیبت

آیا منظور از حکومت اسلامی، در زمان غیبت است یا دیر غیر از زمان غیبت نیز مشمول قاعده است؟

در این سؤال چند وجه وجود دارد:

۱. یک دیدگاه این است که حکومت اسلامی تنها در زمان ائمه (علیهم‌السلام) است و بعد از آن مردم تصمیم‌گیری می‌کنند.
 ۲. زعامت در زمان غیبت تعیین تکلیف شده است. افراد و اشخاصی به ویژگی‌های مشخصی زعامت را بر عهده دارند.
- بنا بر نظریه‌ای که در دوران غیبت، تکلیف زعامت مشخص شده است، حتی بر نظریه‌ای که حکومت بر مردم سپرده شده است؛ یعنی اگر ما قائل به حکومت مشروع شدیم، و کسانی این حکومت مشروع را غصب کردند، شامل این قواعد می‌شوند. دلیل امام (ره) نیز اینجا را شامل می‌شود.
- ما می‌گوییم که حکومت حق فقیه دارای شرایط است، اگر کسانی دیگری جز فقیه حکومت را بگیرد، شامل قواعد می‌شود. حکم عقلی نیز می‌گوید، حکومت مشروع این است و هرکسی او را غصب کرد، مشمول قاعده می‌شود. وقتی حکومت مشروع از طریق ادله نقلی ثابت شد، غصب آن توسط ادله عقلی مشمول قاعده می‌شود. حال تمام اشخاص، چه کسانی که در رأس و قاعده هستند و چه کسانی که در مراتب پایین‌تری هستند، غصب انجام داده‌اند و حرام است. تولی از قبل غاصب، غصب است.

نکته

بعضی از ادله ولی فقیه متفاوت است، بعضی از ادله اقتضا می‌کند ولایت فقیه در امتداد و به نیابت معصوم (علیهم‌السلام) است. بعضی از ادله این اقتضا را ندارند و فقط مشروعیت را مورد بحث قرار می‌دهند.



شماره ثبت: ۳۱۸۴

ادله‌ی نقلی که در اینجا وارد شده است، از معصومین (علیهم‌السلام) بوده است، آن‌ها را با الغای خصوصیت به این مطلب تسری می‌دهیم. اما اگر کسی در این الغای خصوصیت و تنقیح مناط مشکل داشت، دلیل عقلی آن را می‌گیرد و حرام است.

فرع ششم: شمول ظالم به غیر از حکومت

آیا ظالم و جائز غیر از حکومت را شامل می‌شود. جائز بر دو نوع است:

۱. جائزانی که حکومت را تصرف می‌کنند.

۲. باندها و گروه‌های جائز و ظالم.

درست است که کار باندها و گروه‌های جائز، ظلم است. اگر کسی با این‌ها همکاری بکند، از قاعده اعانه بر اثم (اعانه بر ظلم) حرام است. اما آیا پذیرش افراد در باندها و گروه‌های ظالم و جائز، و قبول مسئولیت ایشان، حرام است؟

افراد با وارد شدن در این باندها، اگر مستقیماً عمل کنند، که ظلمی کرده‌اند و حرام است و اگر به شکلی کمک کنند از قاعده اعانه بر ظلم، حرامی را انجام داده‌اند. سؤال در اینجا این است که آیا ادله عقلی (نظریه امام (ره)) و ادله خاصه این امر را شامل می‌شود؟

وجه اول

ادله نقلی و عقلی مباحث حاکمیت داشت، این‌ها جنبه‌ی حکومتی ندارند و شمول این قاعده نیست.

وجه دوم

می‌توانیم بگوییم که این‌ها نیز یک نوع حکومتی هستند. اگر همه‌جا نیز شامل نشود، ولی باندهای بزرگ ظلم و جائز مشمول این ادله می‌شوند.

وجه سوم

بخشی از کارهای گروهی و تیمی، مشمول حرمت هستند. از طرفی گروه‌ها و باندهایی است که جنبه‌ی حاکمیت را ندارد و مشمول ادله نمی‌شود.



شماره ثبت: ۳۱۸۴

فرع هفتم: بخش خصوصی

گاهی حکومت خود اعمال ظلم می‌کند و گاهی حکومت بخشی را به بخش خصوصی می‌سپارد. حکم این‌ها چیست؟ اگر کسانی خارج از ضوابط، شورایی تشکیل دادند و کسانی در آنجا مشغول شدند، اشکال دارد. حاکمیت به معنای عام است. یعنی تمام شئون اجتماعی مشمول است. اگر جایی را به بخش خصوصی واگذار کرد، اشتغال در آن مانعی ندارد اما اگر در محدوده اجازه نباشد اشکال دارد.

تا اینجا ادله و فروع را مورد بحث قرار دادیم. اکنون وارد استثنائات می‌شویم.

استثنائات

مرحوم شیخ، دو مورد را استثناء قرار دادند.

اولین استثناء تولی من قبل الجائر لمصالح العباد است. برای این‌که سودی به دیگران برساند.